

ضبط فارسی نمادی از پیوند در گستره ایران فرهنگی

اولین دستاوردهای صنعت ضبط صفحه، بجا ماندن یادگارهایی صوتی از مهمترین جنبه های فرهنگی هر سرزمینی بود که پای صنعت جدید بدان باز می شد. شواهد این مدعا را ابتدا در فهرست اولین سری ضبطهای مشرقی سال ۱۸۹۹ میلادی کمپانی "امیل برلینرز گرامافون" مشاهده می کنیم که در کنار ضبط قرائت آیاتی از قرآن مجید، اشعاری از حافظ، فردوسی و ظهیر فاریابی نیز برای انتشار بصورت صفحه های ۷ اینچی بدون برچسب کاغذی ضبط می شوند. از این زمان تا اولین نوبت ضبط در حوزه ایران سیاسی در سال ۱۹۰۶ شمسی و پس از آن، ضبطهای متعددی با عنوان "فارسی" در گستره ایران فرهنگی صورت می گیرد که نشان از پیوستگیهای ریشه دار تمدنی و فرهنگی اقوام و مردمانی است که در طول چند قرن اخیر، به سبب ترسیم مرزهای سیاسی، کشورهایی متعدد را ساخته اند. نکته قابل توجه آنکه هرچه به گذشته باز می گردیم تعداد ضبطهای فارسی متناسباً بیشتر بوده و با گذشت زمان کمتر شده و به عبارتی دیگر در نتیجه کارکرد عواملی گوناگون، این پیوندهای فرهنگی و تمدنی تضعیف شده است.

ضبط در قفقاز و ماوراءالنهر

جدایی سیاسی قفقاز از ایران بر اثر جنگهای توسعه طلبانه روسیه و عقد معاهده های ترکمن چای و گلستان، هرگز پیوندهای کهن فرهنگی و تمدنی فیما بین را نگسست. بخش عمده ای از اولین ضبطهای انجام شده در قفقاز در سال ۱۹۰۱ میلادی دارای عنوان "فارسی" می باشند که نه صاحبان آثار به آن اعتراض داشته اند و نه نمایندگان کمپانی عنوانی مناسبتر از آن یافته اند. استفاده از عنوان یکسان برای آثار ضبط شده در تهران و در همان زمان در قفقاز و ماوراءالنهر (از تقلیس و باکو تا مرو) و برای اجتناب از خلط بین این دو سری صفحه، عبارت "فارسی تاتاری" بر روی صفحه های ضبط شده در قفقاز و ماوراءالنهر نقش می بندد. تا قبل از ایجاد اتحاد شوروی، از الفبای فارسی برای "عنوان صفحه" و بعضاً اسامی هنرمندان استفاده می شود که پس از سال ۱۹۱۷ میلادی، تدریجاً و به موازات قطع اجباری روابط اجتماعی اقوام فرارگرفته در زیر چتر اتحاد شوروی با محیط پیرامون خود، با تغییر خط این فاصله افزایش می یابد.

ضبط در شبه قاره

تا قبل از سلطه استعماری انگلیس بر هند، در دوره ای بالغ بر هفتصد سال، شبه قاره یکی از اجزاء و اعضاء برجسته ایران فرهنگی بوده است. زبان و شعر فارسی نیز در دوره مذکور، گوهر درخشان تمدن محسوب می شده و احاطه و حتی آشنایی با آن، نشان روشنفکری و فرهیختگی شمرده می شده و اکنون نیز می شود. براین اساس اگر فرهیخته ای از شبه قاره به نام "دکتر حبیب

احمد" اشعاری از فردوسی، حافظ و ظهیر فاریابی را در لندن در اولین صفحه های فارسی ضبط می کند، امری بسیار عادی و طبیعی است. اگر در فاصله سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۲۰ میلادی آثار متعدد فارسی از هنرمندان شبه قاره نظیر گوهرجان، زهرابایی، آچهان بایی، جانکی بایی و کالی جان باقی مانده است بیان و برهان دیگری در اثبات این مدعاست. اگرچه در دهه های بعد و به موازات توسعه و تعمیق نفوذ فرهنگی انگلستان و حمایت از هندوها و سازماندهی ایشان در برابر مسلمانان شبه قاره که به تجزیه شبه قاره به پاکستان شرقی و غربی و هندوستان انجامید، روند حرکتها و فعالیت های ریشه دار گذشته و منجمله ضبط آثار فارسی - حتی از پارسی سرایان هند نظیر امیر خسرو، بیدل و حسن دهلوی - رو به کاهش می گذارد.

وجه دیگری که در ضبطهای قدیمی شبه قاره بایستی بدان اشاره شود ضبط آثاری متنوع از زرتشتیان پارسی هند است که نمونه هایی از نغمه های مذهبی و موسیقی تا دهه ۱۹۲۰ میلادی آن بر صفحه هایی با لیبل های گرامافون و زونوفون مشاهده شده است.

مجموعه ای از صفحه های فارسی از هنرمندان افغانی نیز در دوره های گوناگون در هند ضبط شده است که نمونه هایی از آنها بر روی لیبل های گرامافون و گلشن در دسترس می باشد.

ضبط در عثمانی

برغم رقابت سیاسی - نظامی ایران و عثمانی در طول چند قرن، پیوندهای فرهنگی و اجتماعی غیرقابل گسستی در بین مردم دو سرزمین وجود داشته و دارد. الفبای مشترک و ریشه های مشترک موسیقایی نیز کمک می کرد که احساس دوری و غربت در طرفین نسبت به محصولات فرهنگی طرف دیگر و منجمله صفحه های گرامافون وجود نداشته باشد. شاید اولین صفحه های فارسی مشاهده شده در عثمانی، بازتولید قاچاقی و غیرمجاز از ضبطهای فارسی قبل از جنگ جهانی اول کمپانی گرامافون در قسطنطنیه باشد. در کاتالوگ صفحه های اورفئون نیز آثاری فارسی گزارش شده است که در حدود سال ۱۹۲۰ میلادی در استانبول ضبط شده اند. با تغییر حروف الفبا و خط در ترکیه نیز فاصله یافتن و گسست فرهنگی بین ترکیه با ایران و کشورهای عربی برغم پیوندهای فراوان در عرصه موسیقی شدت می یابد.

از سوی دیگر نگارنده تاکنون سندی دال بر ضبط صفحه در بین النهرین تا قبل از جنگ جهانی اول بدست نیاورده است. در عوض پس از پایان جنگ جهانی اول و در اوایل دهه ۱۹۲۰ میلادی که با تجزیه حکومت عثمانی، بین النهرین به عنوان کشور جدیدی بنام "عراق" تعریف و متولد می شود، بغداد به یکی از مراکز ضبط صفحه توسط کمپانی های بیضافون (بدافون)، گرامافون، پلیفون و دیگران تبدیل می گردد. ضبط آثار فارسی در فاصله بین دو جنگ جهانی، رایج بوده است. در بین صفحه های ضبط شده در مصر نیز صفحه های فارسی مشاهده شده است که مربوط به دوره بین دو جنگ جهانی می باشد.